

ایلیا - شماره یازده

اولین اشتباه

Jeff Pippenger

2023-10-15

شورش گوساله طلایی هارون در آغاز اسرائیل باستان، از نظر نبوی با شورش یربعام در آغاز ده قبیله پادشاهی شمالی افرایم مطابقت دارد. این تاریخ‌های مقدس، شورش ادونتیسیم در سال ۱۸۶۳ را به‌گونه‌ای نمونه‌وار نشان می‌دهند.

البته گواهی‌های دیگری نیز درباره سال ۱۸۶۳ وجود دارند، اما هارون و پادشاه یربعام گواهی‌هایی ارائه می‌کنند که بر تاریخ ۱۸۶۳ منطبق می‌شوند، و همه آن تاریخ‌ها جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر را، که همان شاخ پروتستان است، نه تنها در روزهای پایانی پادشاهی ششم در نبوت‌های کتاب مقدس، بلکه تا خود پایان دوره مهلت، به تصویر می‌کشند. آن تاریخ‌ها همچنین به تاریخ موازی شاخ جمهوریت در پادشاهی ششم می‌پردازند.

به‌طور کلی، برای کسانی که باور دارند کلیسای ادونتیسیت روز هفتم قوم باقیمانده خدا در پایان جهان است، این حقیقتی بسیار دشوار است. آن باور نخستین اشتباه ماست. هیچ شاهد کتاب مقدسی وجود ندارد که کلیسای لائودیکیه نماینده مردمی باشد که در بحران قانون یکشنبه همچون علمی برافراشته می‌شوند. نخستین اشتباه ما پذیرفتن این پیش‌فرض نادرست است که چنین است. آن علمی که در پایان جهان برافراشته می‌شود، از کسانی متشکل است که از سوی اعضای کنیسه شیطان طرد شدند.

و او برای امت‌ها علمی برافراشته خواهد کرد و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین گرد خواهد آورد. اشعیا ۱۱:۱۲.

این ادونتیسیت‌های لاودیکیه‌ای هستند که کسانی را که بناست نشانه باشند، طرد می‌کنند.

ای کسانی که از کلام او می‌لرزید، کلام خداوند را بشنوید؛ برادرانتان که از شما نفرت داشتند و به‌خاطر نام من شما را بیرون راندند، گفتند: «خداوند جلال یابدا!» اما او برای شادی شما ظاهر خواهد شد و آنان شرمسار خواهند شد. اشعیا ۶۶:۵

آنانی که چون پرچم‌اند به‌خاطر «نام» مسیح طرد می‌شوند. نامی که نفرت را برمی‌انگیزد آلفا و امگا است، زیرا اصل آلفا و امگا چیزی است که به‌روشنی نشان می‌دهد کلیسای ادونتیسیت‌های روز هفتم در نبوت کتاب مقدس نماینده چه کسی است. مثل ده باکره نمایانگر ادونتیسیم است.

"مثل ده دوشیزه در متی ۲۵، تجربه قوم ادونتیسیت را نیز نشان می‌دهد." مناقشه بزرگ، ۳۹۳.

این مثل در آغاز ادونتیسیم تحقق یافت و در پایان نیز بار دیگر عیناً و مو به مو تحقق می‌یابد.

"اغلب توجه من به مثل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مثل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

باکره‌های نادان که از خواب بیدار می‌شوند و متوجه می‌شوند که روغن ندارند، لاودیکیان هستند.

"وضعیت کلیسا که با دوشیزگان نادان نشان داده شده، همچنین از آن با عنوان وضعیت لاودیکه‌ای یاد می‌شود." ۱۹، Review and Herald، اوت ۱۸۹۰.

کشمکش دوشیزگان خردمند، که همچنین به عنوان کلیسای فیلادلفیه نمایانده شده‌اند، با کلیسای است که مدعی یهودی بودن است، اما یهودی نیست.

اینک، کسانی را که از کنیسه شیطانند، آنان که می‌گویند یهودی‌اند و نیستند، بلکه دروغ می‌گویند؛ اینک، ایشان را وادار خواهیم کرد تا بیایند و در برابر پایت سجده کنند و بدانند که من تو را دوست داشته‌ام. مکاشفه ۳:۹.

خواهر وایت در نخستین نشریه پس از ناامیدی بزرگ به این آیه می‌پردازد.

تو چنین می‌اندیشی که آنان که در برابر پای قدیس سجده می‌کنند (مکاشفه ۳:۹)، سرانجام نجات خواهند یافت. در اینجا ناگزیرم با تو مخالفت کنم؛ زیرا خدا به من نشان داد که این گروه ادونتیست‌های مدعی بودند که از ایمان برگشته بودند و «پسر خدا را برای خود دوباره مصلوب می‌کنند و او را به رسوایی آشکار می‌کشاند». و در «ساعت آزمایش»، که هنوز در پیش است تا سرشت حقیقی هر کس را آشکار سازد، خواهند دانست که برای همیشه هلاک‌اند؛ و زیر بار اندوه روحی، در برابر پای قدیس زانو خواهند زد. سخنی به گله کوچک، ۱۲.

در فصل پنجم کتاب اشعیا، برای نخستین بار از سرود تاکستان یاد می‌شود؛ سرودی که مسیح بعدها از آن استفاده کرد.

اکنون برای محبوبم سرودی درباره تاکستان او خواهم خواند. محبوب من تاکستانی دارد بر تپه‌ای بسیار حاصلخیز؛ و گرد آن حصار کشید، و سنگ‌های آن را بیرون آورد، و در آن بهترین نهال انگور کاشت، و در میانش برجی بنا کرد، و نیز در آن حوضچه‌ای برای فشردن انگور ساخت؛ و چشم داشت که انگور بیاورد، اما انگور وحشی بار آورد. و اکنون، ای ساکنان اورشلیم و ای مردان یهودا، خواهش می‌کنم میان من و تاکستانم داوری کنید. چه کاری بود که می‌شد برای تاکستانم انجام داد که من انجامش نداده‌ام؟ پس چرا، چون چشم داشتم که انگور بیاورد، انگور وحشی بار آورد؟ اشعیا ۵:۱-۴.

این مثل، چه در عهد قدیم و چه در عهد جدید، نشان می‌دهد که خدا به سبب امتناع از آوردن ثمراتی که برای آوردن آنها برانگیخته شده بود، کلیسای خود را رد می‌کند. در اشعیا باب پنج، در پایان مثل، مجازات تاکستان مشخص می‌شود و همچنین وعده داده می‌شود که برای امت‌ها بیرقی برافراشته گردد. آشکار است که تاکستان همان بیرق نیست.

از این رو خشم خداوند بر قوم خود برافروخته شد و دست خود را بر آنان دراز کرد و ایشان را زد؛ و کوه‌ها به لرزه درآمدند و لاشه‌های ایشان در میان کوچه‌ها پاره پاره شد. با همه اینها خشم او برنگشته است، بلکه دست او هنوز دراز است. و او برای امت‌های دور پرچمی برخواهد افراشت و از کرانه‌های زمین به آنان سوت خواهد زد؛ و اینک، ایشان به شتاب شتابان خواهند آمد. اشعیا ۵:۲۵، ۲۶.

وقتی عیسی بعدها آن سرود را به صورت مثل خواند، نتیجه‌گیری او نیز به همان اندازه قاطع بود.

مثلی دیگر بشنوید: مالکی بود که تاکستانی غرس کرد، گرداگردش حصار کشید، در آن حوضچه‌ای برای شراب‌گیری کند و برجی ساخت؛ سپس آن را به باغبانان اجاره داد و خود به دیاری دور رفت. و چون هنگام میوه نزدیک شد، خادمان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه‌های آن را دریافت کنند. اما باغبانان خادمان او را گرفتند؛ یکی را زدند، دیگری را کشتند و سومی را سنگسار کردند. بار دیگر خادمان دیگری، بیش از بار نخست، فرستاد؛ و با آنان نیز همان کردند. سرانجام پسر خود را

نزد آنان فرستاد و گفت: پسر مرا حرمت خواهند داشت. اما چون باغبانان پسر را دیدند، با خود گفتند: این وارث است؛ بیایید او را بکشیم و میراثش را تصاحب کنیم. پس او را گرفتند، از تاختستان بیرون انداختند و کشتند. پس چون مالک تاختستان بیاید، با آن باغبانان چه خواهد کرد؟ گفتند: آن مردان شیرین را به بدترین وجه هلاک خواهد ساخت و تاختستانش را به باغبانان دیگری خواهد سپرد که میوه‌ها را در موسمشان به او باز دهند. عیسی به آنان گفت: مگر هرگز در کتب نخوانده‌اید: «سنگی که بناها رد کردند، همان سنگ زاویه شد؛ این کار خداوند است و در نظر ما شگفت‌انگیز است.» از این رو به شما می‌گویم: پادشاهی خدا از شما گرفته خواهد شد و به قومی داده خواهد شد که میوه‌های آن را به بار می‌آورد. و هر که بر این سنگ بیفتد، شکسته خواهد شد؛ و هر که این سنگ بر او بیفتد، او را خرد و ریزریز خواهد کرد. و چون سرکاهان و فریسیان مثل‌های او را شنیدند، دریافتند که درباره ایشان سخن می‌گوید. متی ۲۱:۳۳-۴۵.

کلیسای ادونتئیست‌های روز هفتم لاودیکیه، آن پرچم برافراشته نیست. تاختستان ایام آخر، که اسرائیل باستان نمونه آن بود، همان کلیسای ادونتئیست‌های روز هفتم لاودیکیه است؛ اما امتی خواهد بود که میوه‌ای به بار می‌آورد که شایسته نوبرهاست، یعنی همان یکصد و چهل و چهار هزار نفر.

این‌ها کسانی‌اند که خود را با زنان نیالودند، زیرا باکره‌اند. این‌ها کسانی‌اند که هر جا بره برود، او را پیروی می‌کنند. اینان از میان آدمیان خریداری شدند تا به‌عنوان نوبرها برای خدا و برای بره باشند. مکاشفه ۴:۱۴.

به‌عنوان علم، ایشان از سوی صاحب‌خانه برای گردآوری برداشت نهایی به کار گرفته خواهند شد. کلیسای ادونتئیست‌های روز هفتم لاودیکیه، همان تاختستانی است که سنگ بنیان «هفت زمان» موسی را رد کرد. از آن پس، روندی نزولی به سوی تاریکی هرچه عمیق‌تر آغاز شد. آن علم، «ریشه یسی» خواهد بود. ریشه یسی، یعنی داوود، نمایانگر آخرین حقیقتی است که عیسی به یهودیان خرده‌گیر روزگارش عرضه کرد. این نمادی از اصل آلفا و امگا است؛ اصلی که باغداران بی‌وفای اسرائیل هم باستان و هم امروز از درک آن سر باز می‌زنند.

و در آن روز ریشه‌ای از یسی خواهد بود که چون پرچمی برای قومه‌ها برافراشته خواهد شد؛ غیریهودیان او را خواهند جست، و جای آرامش او باشکوه خواهد بود. اشعیا ۱۰:۱۱.

خواهر وایت و جیمز وایت به‌روشنی تصریح می‌کنند که تا سال ۱۸۵۶ این جنبش به لاودیکیه تبدیل شده بود؛ پس او چه زمانی تصریح کرده که این جنبش هرگز پیام به لاودیکیان را پذیرفته است؟ هرگز چنین نکرده است. نخستین اشتباه ما پذیرفتن این ادعاست که کلیسای ادونتئیست‌های روز هفتم در سیر تاریخ پیروزمند بوده است. واقعیت کاملاً برعکس است. اگر آن مقدمه نادرست نخستین را بپذیریم، چشمانمان بر حقایق نبوی‌ای بسته می‌شود که خلاف آن را تعلیم می‌دهند. به‌عنوان مثال، خواهر وایت بارها تصریح می‌کند که تاریخ اسرائیل جسمانی باستان، تجربه و تاریخ اسرائیل روحانی امروز را نمایان می‌کند. او غالباً هنگامی که به اسرائیل باستان به‌عنوان نمونه‌ای برای اسرائیل امروز اشاره می‌کند، هم‌زمان بیان مشهور رسول پولس درباره همین حقیقت را نقل می‌کند.

اکنون همه اینها برای آنان به عنوان نمونه رخ داد؛ و برای تذکر ما نوشته شد، برای ما که پایان‌های جهان فرا رسیده است. اول قرن‌تین ۱۰:۱۱.

پولس رسول در آیه یازدهم ده آیه پیشین را خلاصه می‌کند.

و ای برادران، نمی‌خواهم بی‌خبر باشید که همه پدران ما زیر ابر بودند و همه از میان دریا گذشتند؛ و همه در ابر و در دریا برای موسی تعمید یافتند؛ و همه همان خوراک روحانی را خوردند؛ و همه همان نوشیدنی روحانی را نوشیدند، زیرا از آن صخره روحانی که از پی ایشان می‌آمد

می‌نوشتند؛ و آن صخره مسیح بود. اما خدا از بسیاری از آنان خشنود نبود، زیرا در بیابان هلاک شدند. این چیزها برای ما عبرت شد تا مانند آنان در پی چیزهای بد هوس نکنیم. و بت‌پرست نشوید، مانند برخی از آنان؛ چنان‌که نوشته شده است: قوم نشستند تا بخورند و بنوشند و برخاستند تا بازی کنند. و زنا نکنیم، چنان‌که برخی از آنان کردند و در یک روز بیست‌وسه هزار نفر افتادند. و مسیح را امتحان نکنیم، همان‌گونه که برخی از آنان نیز امتحان کردند و به‌دست مارها هلاک شدند. و شکایت نکنید، چنان‌که برخی از آنان نیز شکایت کردند و به‌دست هلاک‌کننده هلاک شدند. اول قرتتیاں ۱۰:۱-۱۰.

پولس و خواهر وایت از اسرائیل باستان به‌عنوان نمونه‌ای از قومی پیروزمند و پارسا استفاده نمی‌کنند. کاملاً برعکس. پولس در آیه یازدهم آن ده آیه نخست را خلاصه می‌کند و سپس در آیه بعد، درسی را بیان می‌کند که تاریخ اسرائیل باستان باید به کسانی که خواهند دید منتقل کند.

پس هر که گمان می‌کند که ایستاده است، ببیند که نیفتد. اول قرتتیاں ۱۰:۱۲

اسرائیل باستان نمونه‌ای است از قومی که از سوی خدا خوانده شد، به دست خدا هدایت شد، نبوت‌های خدا را تحقق بخشید و در هر گام بر ضد خدا شورید، و نهایتاً آفریننده آسمان و زمین را به صلیب کشید! ادونتیست‌ها در پذیرفتن این حقایق درباره اسرائیل باستان مشکلی ندارند، اما به‌ندرت اجازه می‌دهند هشدار مقصود حجاب کوری لاودیکیه‌ای آنان را بپذیرد. ممکن است بخش‌هایی را نقل کنند که در آن‌ها خواهر وایت کلیسا را مردمک چشم خدا می‌خواند—و چنین هم هست—اما محبت خدا به قومش بر وضعیت واقعی آنان سرپوش نمی‌گذارد. کسانی را که دوست می‌دارد توبیخ و تأدیب می‌کند. همان‌قدر که کلیسای خدا مردمک چشم اوست، عیسی رابطه خود را با آن مردمک—مردمک خودش—بسیار صریح خلاصه کرد.

ای اورشلیم، اورشلیم، که پیامبران را می‌گشتی و آنانی را که نزد تو فرستاده می‌شوند سنگسار می‌کنی؛ چه بسیار بار خواستم فرزندان را چون مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال‌هایش جمع می‌کند، گرد آورم، و نخواستید! اینک خانه شما به حال ویرانی برای شما واگذاشته می‌شود؛ و به‌راستی به شما می‌گویم، تا زمانی که بگویید: «مبارک باد او که به نام خداوند می‌آید»، مرا نخواهید دید. لوقا ۱۳:۳۴، ۳۵.

باید این پرسش‌ها مطرح شوند: «آیا عیسی واقعاً پایان را با آغاز نشان می‌دهد؟ آیا اسرائیل باستان واقعاً نمایانگر اسرائیل امروزی است؟» مشکل اسرائیل باستان در سراسر تاریخ‌شان این بود که باور داشتند میراثشان ثابت می‌کند که آنان قوم خدا هستند، و از این رو می‌پنداشتند که نمی‌توانند چیزی جز قوم خدا باشند. به همین دلیل در روزگار ارمیا ادعا می‌کردند که هیكل خداوند هستند.

کلامی که از جانب خداوند به ارمیا رسید، چنین بود: در دروازه خانه خداوند بایست و این کلام را در آنجا اعلام کن و بگو: ای همه شما اهل یهودا که برای پرستش خداوند از این دروازه‌ها داخل می‌شوید، کلام خداوند را بشنوید. خداوند لشکرها، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: راه‌ها و اعمال خود را اصلاح کنید، و شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت. به سخنان دروغین اعتماد نکنید که می‌گویند: هیكل خداوند، هیكل خداوند، هیكل خداوند، اینهاست. ارمیا ۷:۱-۷.

یوحنا تعمیددهنده نیز بر همین توهم تأکید کرد.

و در رود اردن به دست او تعمید گرفتند و گناهان خود را اعتراف کردند. اما چون دید که بسیاری از فریسیان و صدوقیان برای تعمید او آمده‌اند، به ایشان گفت: ای نسل افعیان، چه کسی شما را هشدار داده است که از غضب آینده بگریزید؟ پس ثمراتی شایسته توبه بیاورید؛ و در دل‌های خود مگویید: ما ابراهیم را پدر داریم؛ زیرا به شما می‌گویم که خدا قادر است از این سنگ‌ها فرزندان برای ابراهیم برانگیزد. و اکنون نیز تبر بر ریشه درختان نهاده شده است؛ پس هر درختی که میوه

نیکو نیاورد، بریده و به آتش افکنده می‌شود. متی ۶:۳-۱۰.

همان درک گمراهانه در درون ادونتیسیم که با تعبیر «هیکل خداوند، ماییم» و با این ادعا که ما «ذریه» روحانی ابراهیم هستیم نمادین می‌شود، تجلی اصلی کوری لائودیکیه است.

خدا پیام‌آورانی می‌فرستد تا به قوم خود بگویند برای اطاعت از احکام عدالت او چه باید باشند و چه باید نکنند؛ احکامی که اگر کسی آنها را به‌جا آورد، در آنها زندگی خواهد کرد. آنان باید خدا را از همه بیشتر دوست بدارند و هیچ خدای دیگری را در برابر او نداشته باشند؛ و باید همسایه خود را همچون خود دوست بدارند و با او چنان رفتار کنند که می‌خواهند او با آنان رفتار کند.

نباید ذره‌ای از شریعت مقدس خدا را سبک شمرد یا به آن بی‌احترامی کرد. کسانی که از فرمان «چنین می‌گوید خداوند» سرپیچی می‌کنند، زیر لوای شاهزاده تاریکی قرار می‌گیرند و در عصیان بر ضد آفریننده و نجات‌دهنده خویش هستند. آنان مدعی وعده‌های داده‌شده به مطیعان می‌شوند و می‌گویند: «ما هیکل خداوندیم، ما هیکل خداوندیم»، در حالی که با تحریف سرشت او و با انجام همان کارهایی که آنان را از آن نهی کرده است، خدا را بی‌حرمت می‌کنند. معیاری برپا می‌دارند که خدا مقرر نکرده است. الگوشان گمراه‌کننده است و تأثیرشان تباهگر. آنان نوری در جهان نیستند، زیرا از اصول پارسایی پیروی نمی‌کنند.

انسان‌ها نمی‌توانند خیانتی بزرگ‌تر نسبت به خدا مرتکب شوند از آنکه نوری را که او برایشان می‌فرستد نادیده بگیرند. کسانی که چنین می‌کنند ناآگاهان را گمراه می‌کنند، زیرا نشانه‌های نادرست در مسیر می‌گذارند. آنان پیوسته اصول پاک را تحریف می‌کنند...

در کلام کتاب مقدس به روشنی به ما گفته شده که چرا ویرانی بر قوم یهود دامن‌گیر شد. آنان از نور عظیم، برکات سرشار و رونقی شگفت‌انگیز برخوردار بودند، اما به امانتی که به آنان سپرده شده بود وفادار نماندند. با وفاداری از تاکستان خداوند مراقبت نکردند و ثمرات آن را به او ندادند. چنان رفتار کردند که گویی خدایی وجود ندارد، و از این‌رو بلا دامن‌گیرشان شد. Manuscript Releases جلد ۱۴، صفحات ۳۴۳-۳۴۵.

اسرائیل بر این باور بود که چون در آغاز تاریخشان از سوی خدا برگزیده شده بودند، همواره قوم برگزیده او خواهند بود. بدتر از آن، همچنین باور داشتند که چون قوم برگزیده او هستند، او آنان را گرامی خواهد داشت، با وجود آنکه خود از گرامی‌داشتن او سر باز می‌زدند. از نظر نبوی، آنان قوم برگزیده او بودند، تا زمانی که طلاق داده شدند، اما هرگز آن مردمی نشدند که خدا می‌خواست باشند. پارسایی قوم برگزیده بر اساس اینکه آنان خود را چه می‌پندارند تعیین نمی‌شود. اسرائیل باستان الگوی اصلی برای کلیسای ادونتیسیت‌های روز هفتم است، اما وقتی این پیش‌فرض نادرست پذیرفته می‌شود که آنان نماینده آن صد و چهل و چهار هزار نفر در پایان جهان‌اند، کوری لاودیکیه آشکار می‌شود، همان‌گونه که کوری اسرائیل باستان آشکار شد. ادونتیسیم باور دارد و تعلیم می‌دهد که آنان قوم بازمانده خدا در پایان جهان‌اند، با وجود شواهد روشن برخلاف آن.

هرچه به پایان مهلت فیض نزدیک‌تر می‌شویم، پیام به مردم لائودیکیه باید جدی‌تر و صریح‌تر شود. اگر آن فرض نادرست به‌خاطر حقیقت کنار گذاشته نشود، در آن صورت نمونه‌های هارون، یربعام و ۱۸۶۳ زیر ردای سنت و رسم پنهان می‌شوند. دیگر آن قدر به پایان مهلت فیض نزدیکیم که نتوان بیش از این زیر آن ردا پنهان شد.

و داوری این است که نور به جهان آمده است، و مردم تاریکی را بیش از نور دوست داشتند، زیرا اعمالشان بد بود. زیرا هر که بدی می‌کند از نور نفرت دارد و به سوی نور نمی‌آید، مبادا اعمالش تویخ شود. یوحنا ۱۹:۳، ۲۰.

تاریخ ارتداد‌های ادونتیسیم در کلام نبوی خداوند ردیابی شده است. این یک واقعیت نبوی است. نخستین شاهد این موضوع اسرائیل باستان است. اسرائیل باستان، تاریخی از ارتداد پیوسته و رو به تشدید است، و با این حال کتاب مقدس و روح نبوت تعلیم می‌دهند که اسرائیل باستان نمونه اسرائیل معاصر است. هرچند این امر اندوه‌بار است، اما هرگز درک این حقیقت به اندازه زمان حاضر اهمیت نداشته است. آنچه به واسطه مکاشفه عیسی مسیح مهرگشایی می‌شود این است که تاریخ ادونتیسیم به‌عنوان شاخ پروتستانتیسیم با تاریخ شاخ جمهوری‌خواهی موازی است. هر دو شاخ برای یکدیگر شاهد دوم فراهم می‌آورند، و اگر یکی از این شاهدان را به‌درستی نبینیم، هم‌زمان مانع شناخته شدن شاهد دیگر می‌شویم.

خطوط هارون، یربعام و ۱۸۶۳ آغاز اسرائیل روحانی نوین را مشخص می‌کنند و بدین‌وسیله آغاز شاخ جمهوری‌ت را نیز مشخص می‌سازند. پیام فرشته سوم هشدار می‌دهد که علامت وحش. این ایالات متحده است که نخست قانون یکشنبه را تصویب می‌کند و سپس تمام جهان را وادار می‌کند همان را انجام دهند.

"کشورهای خارجی از الگوی ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، اما همان بحران دامنگیر مردم ما در همه نقاط جهان خواهد شد." گواهی‌ها، جلد ۶، ۳۹۵.

حقایق نبوتی مرتبط با بحران قانون یکشنبه را نمی‌توان از نقش ایالات متحده جدا کرد. وحش زمین مکاشفه سیزده، ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است که مطابق اشعیا بیست‌وسه، هفتاد سال نبوتی سلطنت می‌کند. همان وحش زمین است که دو شاخ دارد. حقایق مربوط به رابطه آن دو شاخ اکنون مهرگشایی می‌شوند، اما تنها برای کسانی که انتخاب می‌کنند بفهمند که عیسی گشودن مهر مکاشفه عیسی مسیح را با به‌کارگیری آغاز یک چیز برای نشان دادن پایان همان چیز به انجام می‌رساند.

ایالات متحده در سال 1798 به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس پدیدار شد، و طی شصت‌وپنج سال بعد، دو شاخی که بنا بود در طول تاریخ با هم پیش روند، در زمینه‌ای قرار داده شدند که قابل تشخیص بود، اما فقط برای کسانی که مایل به دیدن بودند. آن شصت‌وپنج سال که در باب هفتم اشعیا بیان شده، از 742 پیش از میلاد آغاز شد و در 677 پیش از میلاد پایان یافت. از 1798 تا 1863 آن سال‌ها تکرار شدند. آن شصت‌وپنج سال روندی از بحران را در هر دو شاخ مشخص می‌کند.

تا سال ۱۸۶۳، دوره آغازین روزهای نبوی «یک پادشاه» در اشعیا بیست‌وسه به پایان رسیده بود و بدین‌سان نشانه‌های راه نبوی دوره پایانی «روزهای یک پادشاه» را تثبیت کرده بود. پایان هفتاد نمادین اشعیا بیست‌وسه با نخستین شصت‌وپنج سال به تصویر کشیده شده است. از ۱۸۶۳ تا زمان انتها در ۱۹۸۹، دوره کلیسای ادونتیست لائودیکیه است که از جنبش میلری آغاز شد و در جنبش یک‌صد و چهل و چهار هزار پایان می‌یابد. برای درک دوره پایان، باید دوره آغاز را درک کنیم. ادونتیسیم نمی‌تواند چنین کند، زیرا آغاز آن با رد سوگند موسی نشان‌گذاری شده است؛ سوگندی که همان شصت‌وپنج سالی را معین می‌کند که نمایانگر آغاز و پایان ادونتیسیم و ایالات متحده است.

به همین دلیل، و این دلیلی بسیار مهم است، این مقاله کوشیده است یک حقیقت نبوی را به اثبات برساند که اکنون به دست شیر قبیله یهودا مهرش گشوده می‌شود. واقعیت این است که اگر نخواهید بپذیرید که کلیسای ادونتیست روز هفتم همواره در وضعیت لائودیکیه بوده است، آنگاه از نظر منطقی نخواهید توانست تاریخ ادونتیسیم را به‌درستی تقسیم‌بندی کنید، و بدون تقسیم‌بندی درست تاریخ ادونتیسیم، قادر به شناسایی درست شاخ جمهوری‌خواهی نخواهید بود.

زیرا اگر آنان پس از آن که به واسطه شناخت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح از آلودگی‌های جهان رهایی یافته‌اند، دوباره در آنها گرفتار شده و مغلوب گردند، پایان کارشان از آغازشان بدتر خواهد بود. زیرا برای ایشان بهتر بود که هرگز راه پارسایی را نشناخته باشند تا این که پس از شناختن آن، از فرمان مقدسی که به آنان سپرده شده بود رو برگردانند. اما مطابق مثل راستین، چنین بر سرشان آمده است: سگ به استفراغ خود بازمی‌گردد؛ و ماده‌خوک شسته شده به غلطیدن خود در گل‌ولای. دوم پطرس ۲:۲۰-۲۲.